

بسیار غرس شده بود^۱. یکی از یونانیان برجسته که در زمان اردشیر دوم هخامنشی بایران آمده بود در شگفت شد از اینکه کوروش جوان، برادر اردشیر، که جامه‌ای بس فاخر در تن داشت. بادستان خویش صنوف درختان گوناگون را در باغ بزرگی غرس نموده باشد^۲.

بنابر یادداشت‌های تاریخ‌نویسان یونانی هر شاهزاده و امیری برای نگهداری پردیس خود مراقبت بسیار مینمود و توصیف بعضی از این پردیس‌ها نوشته شده است. این دل بستگی زیاد ایرانیها بدرختکاری و باغبانی یونانیان را بشگفت می‌آورد^۳.

داریوش اول کاغذی بمرزبان گادات در آسیای کوچک نوشته بود که ترجمه یونانی آن باقی مانده. موضوع کاغذ به گادات این است که داریوش ویرا برای غرس درختانیکه بومی بین‌النهرین است در آسیای کوچک آفرین گفته و تقدیر نمود است^۴.

گفتار هرودوت. تاریخ‌نویس یونانی. راجع بدرخت دوسنی خشایارشا معروف است. وی گوید: خشایارشا در راه سفر خود در آسیای کوچک بدرخت سروی رسید. طوری خرسند گشت که فرمان داد زنجیره‌ها و گردن بند طلا بآب آویزند که لوثی معشوفه‌ای است و یکی از سرمازان جاودانی را پاسبانی آن گماشت^۵.

يك علت قشونكش خشایارشا بیونان و سوزاندن شهر آتن را همانا انتقام وی برای سوزاندن سارد و جنگل مقدس آن از طرف یونانیها دانسته‌اند^۶.

درخت دوستی ایرانیان عمومی بوده چنانکه از اردشیر دوم هخامنشی نیز حکایت شده

۱- Perrot et Chipiez, *Histoire de l'art en Perse*, p. 261.

۲- Xenophon, *Économique*, 4:20 et *Hellenica*, 4:1.15, 16.

۳- Perrot et Chipiez, *supra*.

۴- Deschamps, *Bulletin de Correspondance Hellénique*, Jan. 1890.

۵- Herodotus, 8:31.

۶ - حسن پیرنیا، ایران باستان، ج ۲ ص ۱۴۲۹.

علاقه درختکاری

که در هنگام سفر در زمستان بوستان شاهی رسید. پادشاه فرمان داد تا لشکریان درختهای بوستان را بریده برای سوخت بکار برند و خود را از مشقت سرما برهاتند ولی لشکریان مشقت سرما را بربریدن درختها ترجیح میدادند. از این نمونه‌های جنبه و گریخته معلوم میشود که علاقه بنگاهداری و افزایش درختها در ایران دوره هخامنشی عمومیت داشته است.

گزن فون گوید که جوانان پارسی در ساعات پس از چاشت و فراغت از ورزشها بدرخت کاری و زراعت و فنون دستی میپرداخته‌اند. تعلیم و تربیت تمام رشته‌های کشتکاری و فلاحت از پدرپسر و از کشتکار به بردست آموخته میشده و شالوده مذهبی کشتکاری تعمیم و تربیت آن بیگمان جنبه خاصی میداده است

بند یازدهم

تربیت فنی و صنعتی

۱- تأثیر صلح و امنیت
در بسرفت صنایع

پدید آمدن تمدن بزرگ و توسعه صنایع همیشه مستلزم صلح و امنیت بوده و ملک دنیای قدیم از این مسئله مستثنی نبودند تشکیل شاهنشاهی هخامنشی مقدمه تمدن و صنایع بزرگی در ایران فراهم ساخت. بغتة جنگها و منازعات دائمی در میان نژادها و ملک و شهرها که در دنیای قدیم عادت عمومی شده بود موقوف گردید و صلح ایرانی (هخامنشی) در کشورهای مشرق زمین حکم فرماید. صلح و آرامشی را که دودمان هخامنشی در میان کشورهای شرقی فراهم ساخت تا دو قرن تمام پائید از قفقاز تا ماوراء یابان عرستان و از بلغار و وسفور هندوستان امنیت و آرامش برقرار بود. بمقیده گروسه همینکه اوضاع آشفته دور، های پیش از آریا با دوره استیلای هخامنشی در مقام مقایسه قرار دهیم ناچاریم مدخات خصائص ملی و جای ایرانیها را در ایجاد چنین امنیت و آرامش اذعان نمائیم و نار این دور از انصاف و حقیقت است که آنها را «طرفدار بربریت شرق» در مقابل تمدن یونان قلمداد کنیم.^۲

۱- معاینه کی نژاد
آریائی در شرق

فی الحقیقه ایرانیها نمایندگان لابی برای نژاد آریائی در میان ملک شرقی بودند. هم چنین باید اذعان نمود که ایرانیها و رومیها یگانه مردمی در دنیای قدیم بودند که قابلیت تشکیل

۱ - رنه گروسه در کتاب «تمدن شرق» بویقی صلح قدر سنده ای را که هخامنشیها در مشرق زمین

مستقر ساختند با صلح رومی در سرفت زمین Orbis Romanus مقایسه کرده است.

۲ - رنه گروسه فرانسوی و جیمس هابری برسد امریکائی.

بعضی از مزایای صنعتی پارسها

امپراطوری پاینده ای را از خود بروز دادند. این را باید یکی از کارهای درخشان نژاد آریائی شمرد زیرا که پی ریزی فرمانروائی ایران در شرق نزدیک همانا پیشگام نفوذ آریائی در این قسمت جهان بود.

در سرزمین هائی که قریحهٔ سامی در امتداد هزاران سال موفق بتمدید هیچ چیز جز آشفتگی، نفرت، و سفاکی نگردیده بود فرمانروائی ایرانی آورنده آرامش و آراستگی و امنیت و برکت بود.^۱

یونانیها هیچوقت سخن دیگری جز از شرح و بسط و ستایش تمدن ماد و پارس در شوش و استخر نداشتند و کاوشهای عصر حاضر که خزائن گرانبهای صنعتی هخامنشی را از دل خاک بیرون آورده و نقایسی چون فریز تیر اندازان و سربازان جاویدان، مؤید ستایش آنهاست.^۲

رونق صنایع هخامنشی ها یکبارہ در دورۀ اول پارسی آغاز میشود. معهذایباید از نظر دور نداشت که پارسیها علاوه بر نیوغ نژادی وارث سرمایۀ مدنیت های قدیمتر سوهرو

۲- بعضی از مزایای
صنعتی پارسها

عیلام و آشور و بابل و مصر و شوش و ماد و آسیای صغیر بودند. افتخاراتی که پیگمان باید ویژه آنها دانست، علاوه بر فراهم ساختن زمینۀ مساعد برای پیشرفت و گستردن صنایع، یکی تلفیق متعمدانهٔ مزایای مدنیت ها و صنایع پیشتر، دیگری ابتکارات نوین و دیگری حفظ دوران و آثار صنعتی تمدن میباشد این خصوصیات را نسبت بتمام فنون و صنایع از قبیل مهندسی و معماری و سنگتراشی و قالی بافی و پارچه بافی و فلز کاری و غیره بظهور رسانیدند و شرح هر یکی از اینها جداگانه، در حدود حوصلهٔ این کتاب داده میشود.

در ضمن کاوشهای نوین تخت جمشید دکتر هرتسفلد، ایران

۳- فنون مهندسی

شناس آلمانی، موفق بکشف بعضی از آثار مهم فن مهندسی

۱- Grousset, René *The Civilizations of the East, the Near and Middle East*, New York & London, 1934, Eng. tr. by C. A. Phillips, p. 118-119.

۲- *ibid.*

ایرانیها لر دیدند. یکی از اینها مجاری زیر زمینی و پیچاپیچ گند آب رو میباشد که بطول چندین کیلومتر میرسد. نمونه دیگر مخازن آبهای زیر زمینی است که بظرفیت عظیمی با قطعه سنگهای بزرگ در حدود ۲۴ متر در دل زمین ساخته شده و تمام نشان میدهد که ساختمان تخت جمشید با نقشه ای صحیح و اسلوبی منظم و مبتنی بر اصول علمی که قبلا مورد تصویب شاه واقع گردیده ساخته شده بود^۱. راجع بر واج علوم ریاضی و مهندسی بزرگ ولایق در گفته های مورخین یونانی شواهد چندی موجود است سد بزرگی که مهندسی ایرانی در حدود میانه سفد و خوارزم ساخته بودند موجب شگفت هرودوت گردیده و در دیده او از عجایب صنعت و باعث شگفتی هر یونانی توانستی شد بوسیله نند مزبور دولت ایران زمینهای پهناور زراعتی را که تشنه آن آنها بود در تحت احیاء در آورده^۲ و آن وسیله نه تنها قبایل سرکش را بدون خونریزی رام و فرمانبردار نمود بلکه آنها را بزندگانی شرافتمندانه کشکاری و فون صلح خوی میداد. عملی نمودن ترعه سوئز بنا بر طرح دوراندیشانه سیاسی و اقتصادی داریوش بزرگ و مسئله ترعه کوه «آتوس» در نزدیکی سالونیک بهرمان خشایارشا و امثال آنها توسط مهندسی ایرانی^۳ در جایهای دیگر این کتاب یاد شده است^۴

معماران ایرانی در عصر هخامنشی علاوه بر آنچه خود میدانستند و از

۴ - معماری

مادها با آنها منتقل شد در معلومات خود متحجر نشدند بلکه از

وصایع ساختمان

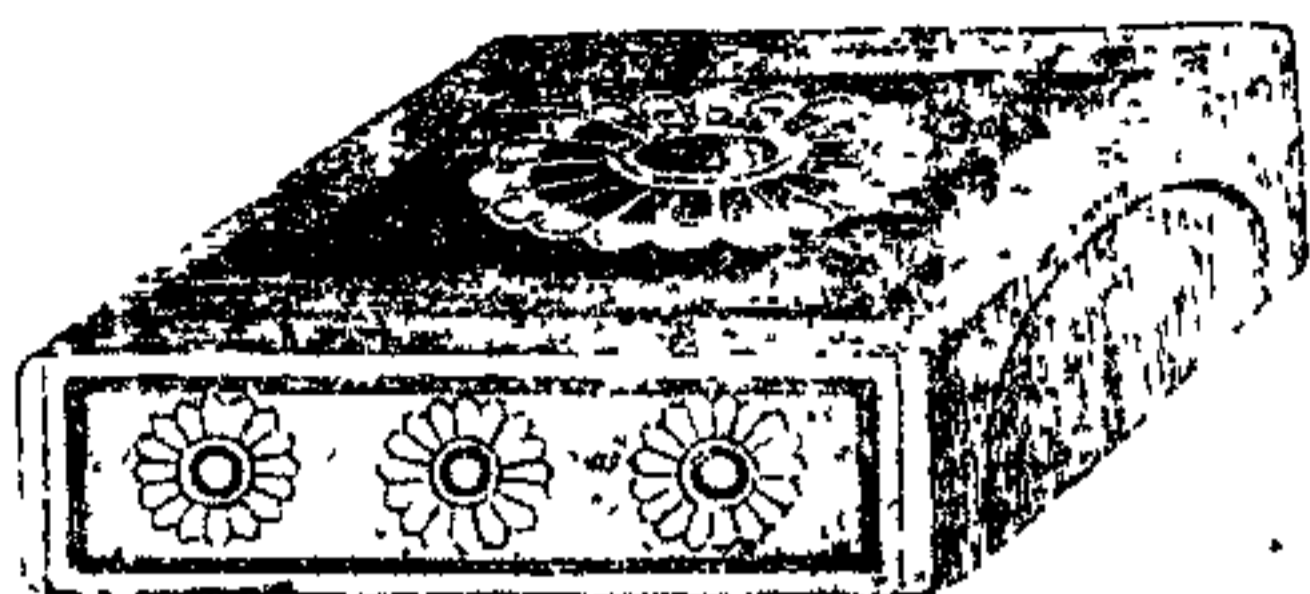
فنون معماری سایر ملل شرقی که بتبعیت ایرانیها در آمده بودند

۱ - رجوع شود بمقاله «اسرار حب حمسد» بقلم پروفسور چارلر برستد در مجله «مهر» چاپ تهران شماره ۷ سال اول ص ۵۱۶.

۲ - رجوع شود بپادداشتهاراجع «علوم و ادبای در ایران کماپی» بقلم رحیم زاده صفوی در مجله مهر شماره دوم سال اول ص ۱۵۱.

۳ - ما برحسب سترابون (۱۶ : ۱ ، ۹) دولت ایسرا سدهای بزرگ از سنگ در نقاط مختلف رود کارون ساخته بود منظور ایسکه از آبهای فراوان آن برای زراعت استفاده نماید.

۴ - رجوع شود به نند یا نژدهم در بحث سوم همس کتاب راجع بتعلیمات عالی دوره هخامنشی.



آجر کاشی لعابدار شوش، اکنون درموره لوور
 ۳۵ × ۳۳ سانتیمتر، طول ۹ سانتیمتر (گوتنه)

استفاده کامل نمودند.
 در بازمانده های
 ساختمانهای هخامنشی
 که از یست و پنج قرن
 پیش در استخر و شوش
 مانده تأثیر نفوذ مصر
 و آشور و بابل و عیلام
 و نینوا و ماد و یونان را میتوان تمیز داد.

ایوانهای بلندسنگی که کاشیهای بزرگ بر فراز آنها بنامیشد
 بنقلید بابل بود. گاوهای بالدار که در جلو درب بعضی
 از عمارات از سنگ تراشیده میشد و پلکانهای طولانی و با عظمتی که از دو طرف
 تلاقی نموده و بکاخها منتهی میگردد از آشور و بین النهرین تقلید شده بود.

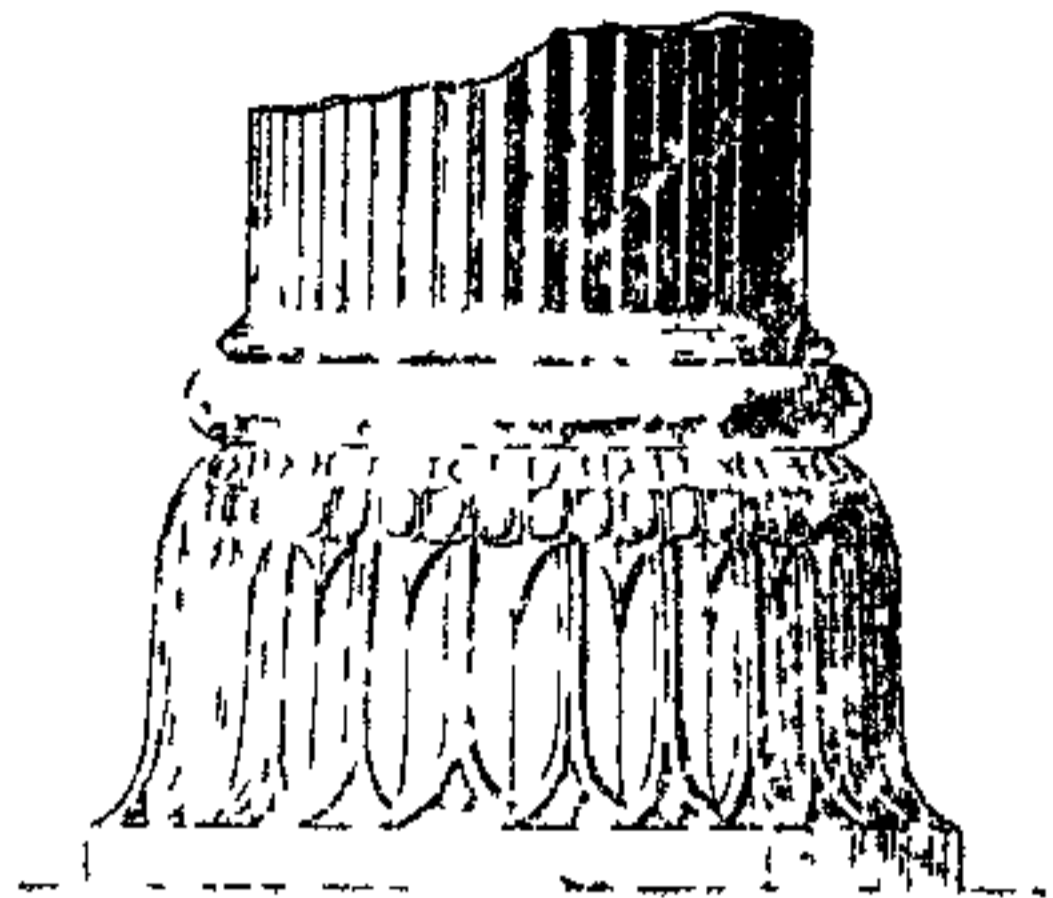
تأثیر آشور و بابل

ستونهای بسیار و بلند را که در جلو و درون عمارات بکار
 میبردند از مصر اقتباس کرده بودند. این نوع ستونها از دوهزار
 سال پیش از آن تاریخ در سرزمین مصر بکار میرفته است. آجرهای رنگارنگ
 لعابدار و نگارین نیز که برای زینت و روکار استعمال میکردند در اصل صنعت
 مصر ولی از راه آشور و بین النهرین بایران رسیده بود. سردر بهارا نیز معماران
 ایرانی نه از بابل بلکه از مصر اقتباس نمودند. سراهای پر وسعت شاهی شهر تب
 نیز در سبک سراهای تخت جمشید تأثیر زیاد داشته و برای آنها تا حدی سرمشق
 بوده است و این نفوذ فنون ساختمانی مصری طاهرأ پس از فتح مصر از طرف
 کمبوجیه و گشایش رفت و آمد میان دو کشور بایران سرایت کرده است.^۱

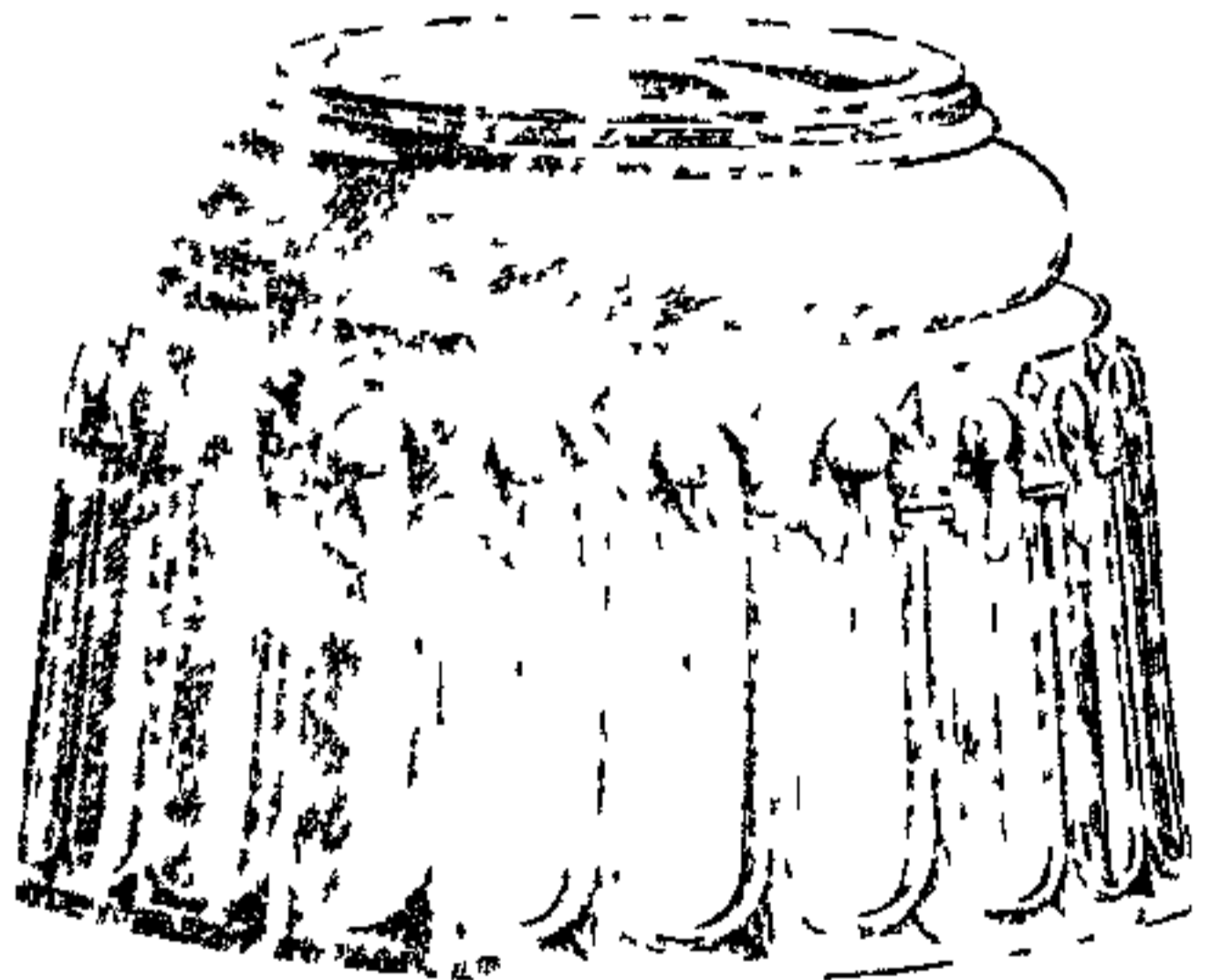
تأثیر تمدن مصر

۱ - دیو دوروس (Diodorus Siculus) گوید که استادان مصری بایران آورده میشدند.
 (1.46:4) و تأثیر نفوذ سبک قبور مصری (17:71).

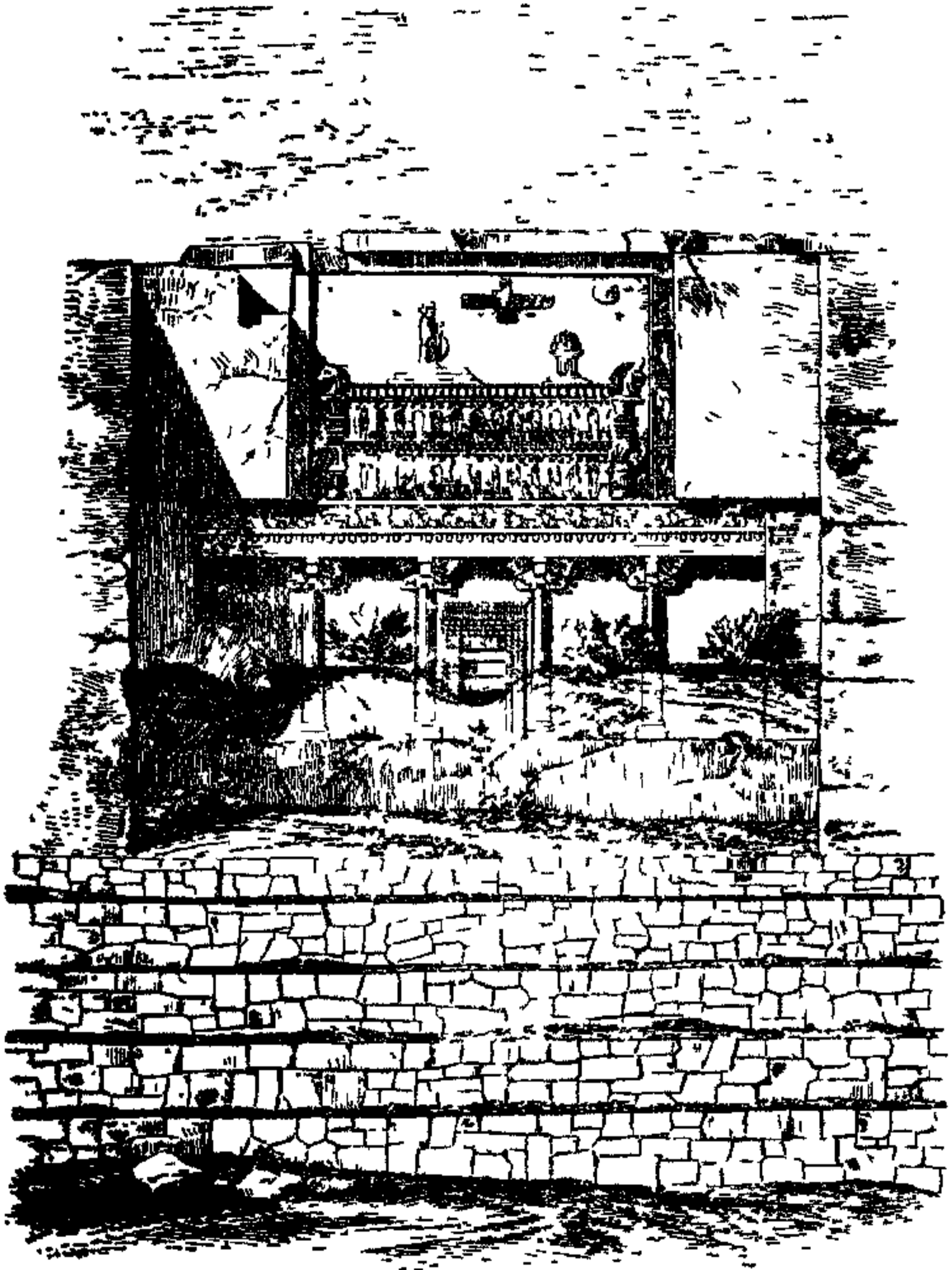
• نائیرسک زینت های
 ریت های داخلی معابد
 معابد مصری مصری نیز
 از طرف ایرانیها اقتباس
 شد ولی چون ایرانیان
 معابد داشتند زینت های
 معابد مصری منبع
 الهام زینت های اندرون
 کاخهای شاهی ایران
 گردید دهانه هایی
 نیز که غالباً در لبه
 ایوانها و سر پنجره ها
 و حایهای دیگر دیده
 میشود مصری است.
 محصول است که رسم
 قرار دادن زاردار یوش
 در پیشانی کوه و زینت
 های دیواری در بیرون
 آن بر تاحدی تقلید از
 رسم مصریها بوده ولی
 مسلم است آنچه را که
 در هر مورد اقتباس
 میکردند تصرفاتی



پایه ستون ایوان مرکزی شوش
 « تاریخ صنایع در قدیم » (پرو و سپیه)



پایه ستون کاخ ررك شاهی در شوش
 ارتفاع يك متر و هم (دیولافوا)



مراد داریوش برك درختن رستم
که در پشانی کوه و درون آن کنده شده

اساسی در آن مینمودند .

سنگتراشان

ایرانی ظاهراً

با کار های

۶- صنعت

پیکرتراشی

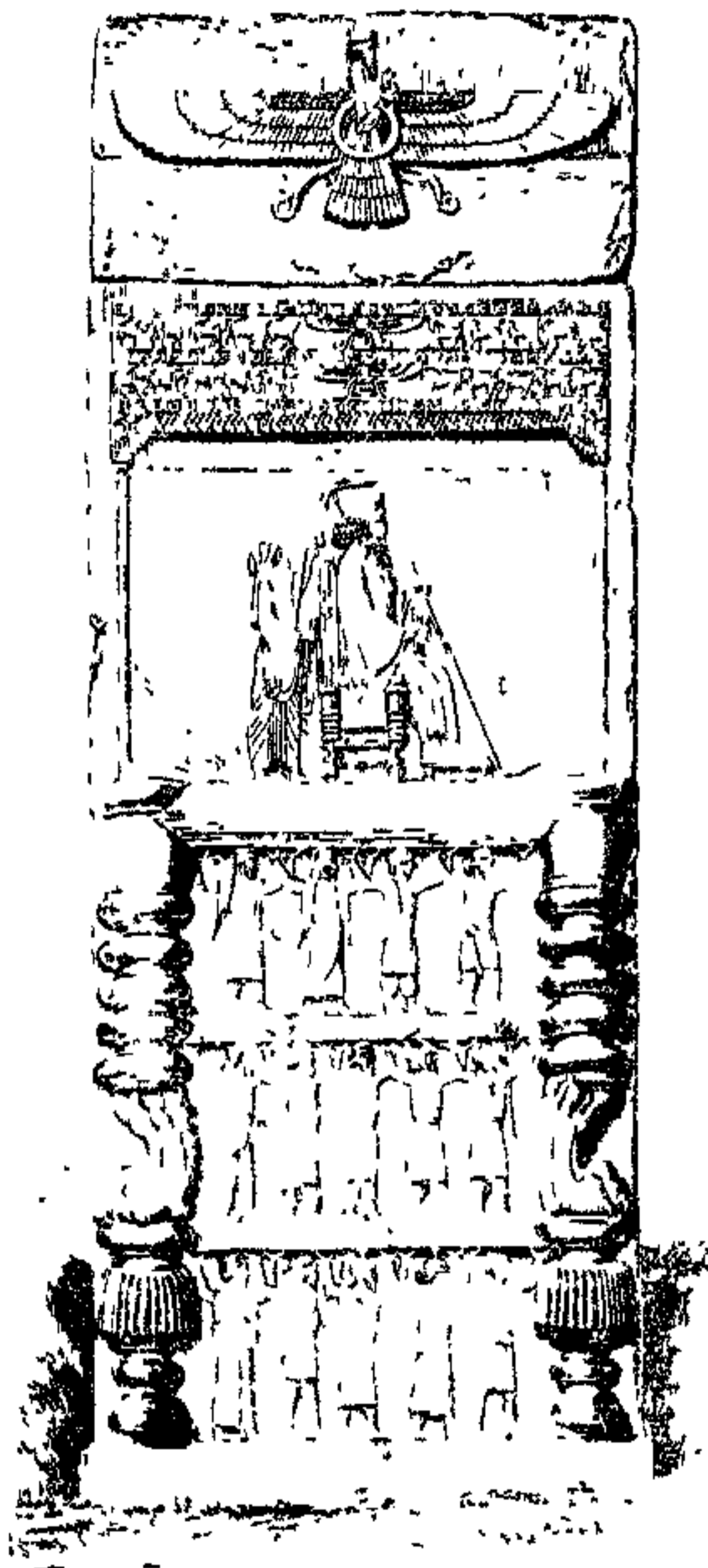
استادان یونانی و یونانی و حتی
سومری آشنائی داشته اند زیرا
در بعضی مسائل کارهایشان شباهتی
بهریکی از آن سه دسته دارد در
صورتیکه بتمام معنی باشد هیچیکی
از آنها نیست . تنها مینوان گفت
استادان ایرانی با اصول سنگتراشی
ممل مزبور آشنائی داشته اند و
در عین اینکه دائم مستعد اقتباس نکات
مقتضی از صنایع دیگران بوده اند
استقلال ذوقی خود را نیز کاملاً بکار
میرده اند

مخاطب است

تأثیر یونانیها

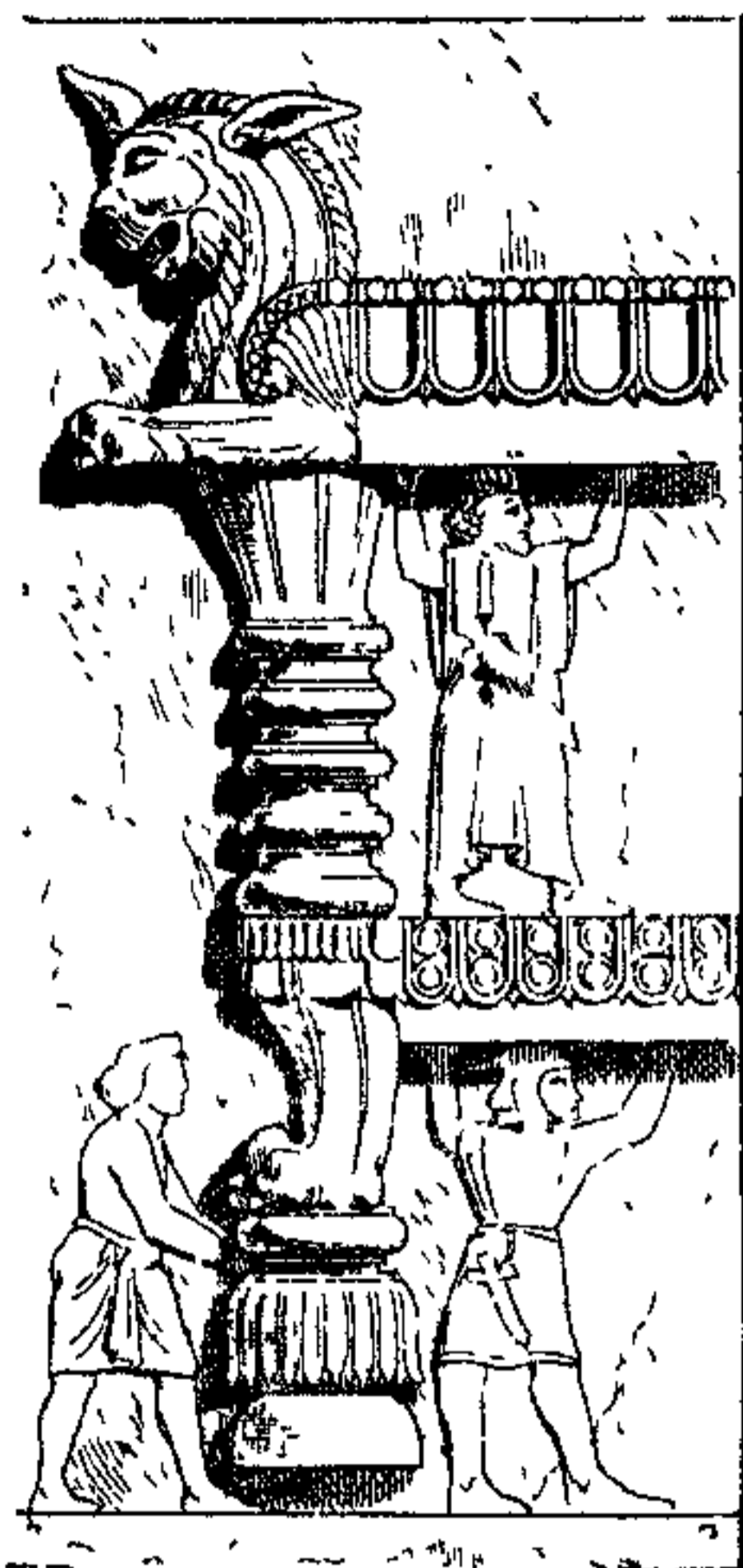
تأثیر خود

صنایع یونان بیشتر در نقوش برجسته
و پیکرتراشی بوده . بر طبق خبری
که از بلینی رسیده عده ای از
هنروران یونانی در خدمت پادشاه
ایران بوده اند و یکی از آنها بنام



چهار حرم طاق صد ستون

از بقایای برجسته یونان (فلاندن و است)



بر که عمودی تخت شاهشاهی در فوش رستم
« ایران قدیم » فلانن و کست

تلفانس از اهالی فکاه ۱ بوده که در
خدمت دار یوش و هم خشایارشا، مدتی
بسو برده است ۲.

در عین حال

تائیر نینوا

نقاشیهای

بر چینه تخت جمشید اند کی با آثار
نینوا شباهت دارد ۳ و استادانی
که نقوش بر چینه تخت جمشید
را تراشیده اند خطوط جامه‌ها و
چینه‌های آنها را با مهارتی خاص
انجام داده اند. از این روی
گویا پیکر تراشان ایرانی با هر
دو سبک آشنا بوده اند ۴.

پهنه های

تائیر سومریها

سه گوشه

ای که از خط صعودی پله های
قصر آپادانا یا « بارگاه » در تخت
جمشید تشکیل میشود در هر مورد

نصویر شیری که بگای حمله و راست در سنک تراشیده شده و نابرشیه حجاری سومریان

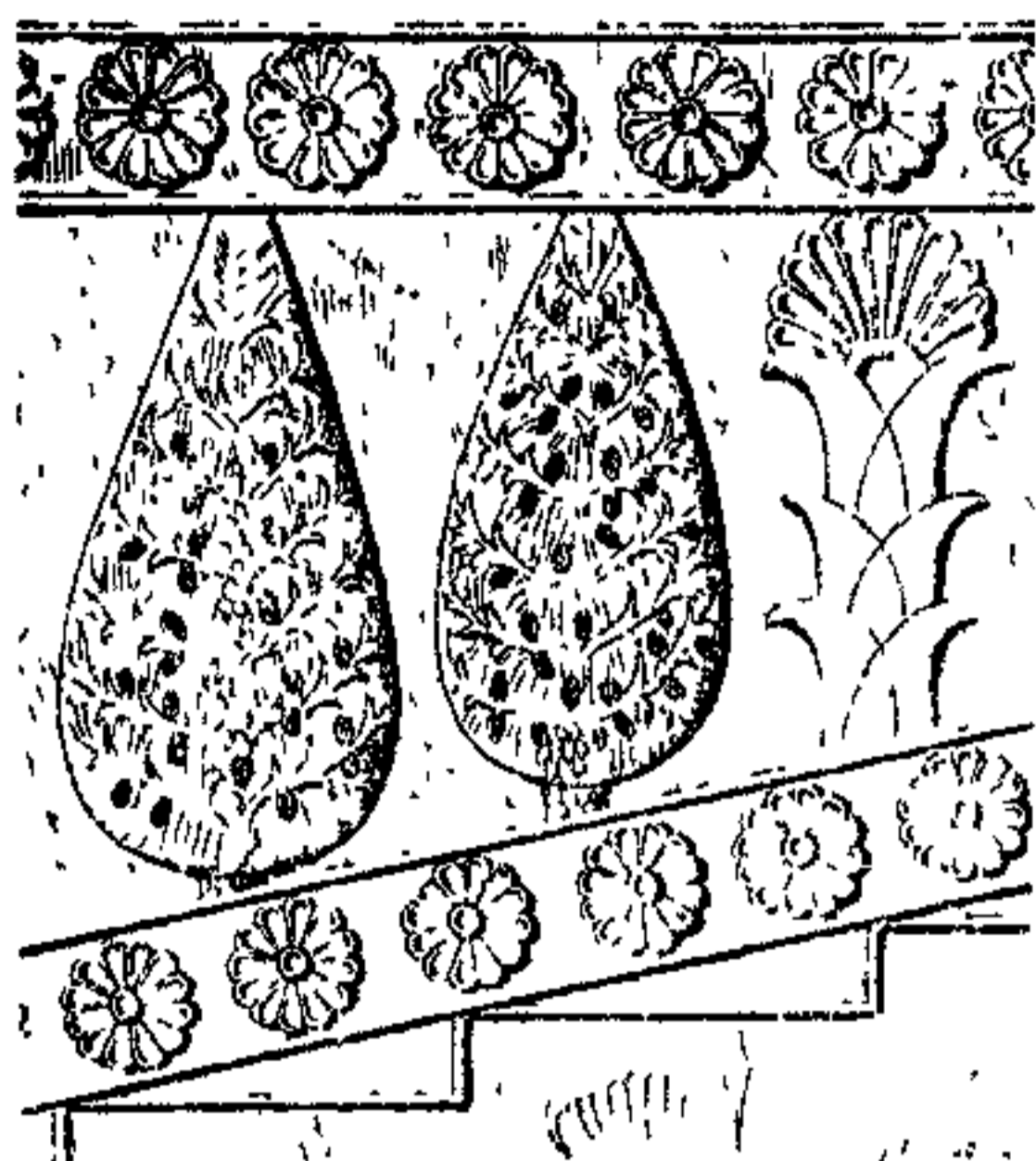
۱- یلینی گوید: (Pliny Hist Nat تلفانس، پیکر تراش فکاتی Telephanes de Phocaea

همزمان پلیکلئیس و مرن، سفارشهای مهمی برای دار یوش و خشایارشا انجام داد.

۲- Heuzey, note, Bull. de l'acad. des inscr. et belles-lettres, nov. 18۱6.

۳- Huart, C., *Ancient Persia and Iranian Civilization*. (N.Y. 1926) p. 87.

۴- Athenaeus 12 p. 515 a, Herod. 7:27; Pausanias 1:16 & 8:46 & Moses de Chorène (*Hist. Armenica*, 2:2 p. 103).



رینت حاسه نالانی پله کان مره ۲ در تخت جمشید
« ایران قدیم » فلاندرن و کسب

استخوان بندی شیر از روبرو
پیداست. این نقش شیر و گاو را
میتوان علامت رسمی دولت هخامنشی
دانست که حاکی از يك مطلب
نجومی و مأخوذ از احکام بابلیان
است.

۷- کنگره ها در فراز
تمام نقاط
بلند ساختمانهای تخت جمشید
کنگره های بسیاری بسبك دژهای
جنگی آشوریان ساخته شده که
در معماری آنها از تزیینات ساختمانها
محسوب میشود ۲ و شاید اصلا از مادها بوده است ۳.

از جمله اکتشافات تازه تخت جمشید دو پلکان بزرگ نوین کاخ آبادانا
است که دارای دورسینه پیکر تراشیهای برجسته و دل انگیز است و نیازگی بر اهنمائی استاد
هرتسفلد از زیر آوار بیرون آمده است اکنون پاره ای از گزارش وی در اینجا باز

۱ - هرتسفلد، محله مهر ۱ : ۲ ص ۹۲ .

۲ - ایضا هرتسفلد بر طبق همان یادداشت .

۳ - در ضمن فن معماری در عصر مادها (ص ۱۳۰-۱۳۱) ذکر گردید که آنها در ساختن قلاع جنگی
و شهرهای محصور مهارت داشته اند، رجوع شود تصاویر ص ۱۳۰ و ۱۳۱ که نمایندگان مادی طرح
شهرهای خود را بیادشاه آشور تقدیم میدادند. عصر هخامنشی که در تمام شتون (بر طبق کتسپاس) پیرو
مادها بوده دوریست که در این مسئله نیز از آنها تقلید کرده است .

کاخ آپادانا

گفته میشود ۱ :

قصر بزرگ آپادانا که محل بار عام بوده و این نام را بتقلید
آپادانای شوش که امروز بکلی از میان رفته است وضعاً بر آن
نهاده اند، دارای پله ایست بطول نود گز که سه جدار آن مستور از نقوش حجاری
است. دو ضلع اعظم که در سمت یسار و طرف جنوب واقع است تصویر گروهی
بسیار از خراج دهندگان نقر شده است. نمایندگان بیست و هشت قوم از مالی تابعه
دولت شاهنشاهی ایران دیده میشوند که صاحب بار به نوبت آنرا به پیشگاه میبرد.

۸- کاخ آپادانا

نمایندگان هدایای عید نوروز را در پیشگاه آورده اند. خراج
دهندگان را در سه مرتبه نقش کرده اند. هر ملتی در مکان
خاصی ایستاده و میان هر گروه و گروه دیگر سروی حجاری شده
است. در سمت یسار و شمالی پله قراولان قصر دیده میشوند که بعضی مسلح و
برخی بی سلاح و بهیئت تماشاچیان بوضعهای مختلف ایستاده اند. گوئی بایکدیگر

۹- هدایای

مالی تابعه

۱ - رجوع شود بمقاله پروفسور هرتسفلد بعنوان « اکتشافات تازه تخت جمشید » که در مجله
انگلیسی « London News » انتشار یافته و ترجمه فارسی آن بتوسط رشد یاسمی در مجله
مهر چاپ تهران سال اول شماره دوم صفحات ۹۱ - ۹۶ بطبع رسیده. پروفسور هرتسفلد،
ایران شناس معروف تبعه آلمان است، که در سال ۱۹۳۰ میلادی از طرف مؤسسه شرقی دانشگاه
شیکاگو در امریکا دعوت گردید که در تخت جمشید سه موضوع (ص ۹۱-۹۲) بپردازد :
الف. کشف بنیان تمام قصور داریوش و خشایارشا و اردشیر هخامنشی دوم، ب- مرمت و تجدید
بنای یکی از قصور، ج- صیانت ابنیه و نقوش بوسیله ناز کردن مجاری پیشین فاضل
آب زیر زمینی. مؤسسه فوق الذکر که در ضمیمه دانشگاه شیکاگو در شهر شیکاگو، امریکا
تاسیس یافته موسوم است به : « Oriental Institute of the University of Chicago. »
در سابقه موقوفه مهمی که باختیار این مؤسسه گذارده شده هیئت های اکتشافی از علمای متخصص
بنقاط مختلفه شرق و خاصه ایران فرستاده شده و تاریخ قدیم را از روی مدارک و اسناد اصلی
که در کاوشها یافت میشود جرح و تعدیل مینمایند.

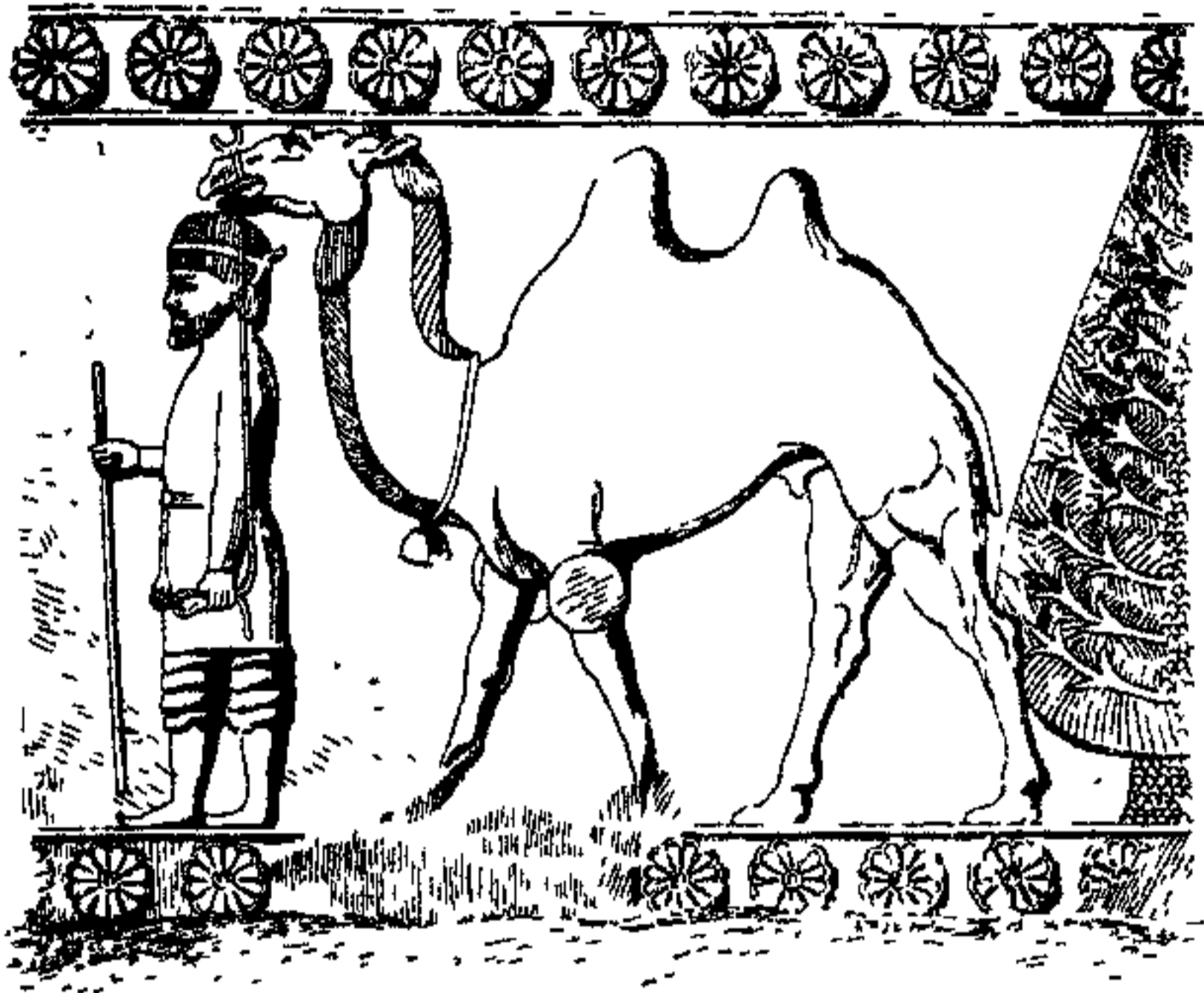


کلیسای آیدان، ۱۰۰۰ ساله در شوش
در هنگام آبادی (دوبلوا)



مانند کان ملل کوناگون امة ایران که دررور حش بورور هدایای خود را به پیشگاه شاهشاه
میرسد . از پسر برانشهای رحمتت بعد حبششد (عکاسی اش ، هرا)

سجن میگوید فوج گارد مرکب بوده است از پارسیان و مادیان و شوشیان که آنان
را در هرا جاودانی میگرمه اند و شماره آنان را پیوسته تا ت نگاه میداشته اند . در پایان
صفت اول قراولان دو ارائه اسپ نقش شده است بار روایت هرودوتس اینها
ارابه های اهورا مزدا و پادشاه هستند که بهر يك هشت اسب اصیل می سبباند . از
اسان رمة خاص همانویی که پرورشگاه آنان نیسایه نزدیک شهر کرمانشاه بوده است
آخور سالاران يك اسب سواری که تقدیمی محتص شاهست میبرند و خدمتگاران
دیگر اسلحه جگی او را برداشته اند بیست و هشت قومی که ذکر شد عبارت از
بیست و هشت ساتراپی ایران باسان است که از فرعانه در سمت شمال شرقی تاجبسه در جانب
جوب غربی و از نالکان هر طرف شمال غربی تاسند در ناحیه حوب شرقی گسترده
بوده است .



شتر دو کوهانه باختری از نقوش برجسته تخت جمشید

بعضی از ساتراپی‌های بزرگ مشتمل بر چندین قوم و ملت است. هر چند خطی و کتیبه ای که حاکی از اسامی آنان باشد در دست نیست لکن نظر بشباهنی که میان برخی از این تصاویر با نقوش اقوامی که در مقبره شاهی حامل تخت هستند موجود است میتوان قومیت آنها را حدس زد زیرا که حجاران ایران در زمانهای قدیم ملت آنها را معلوم کرده اند.

معدودی از آنها مثل مردم سوریه و فنیقیه و کیبکیه را با تطبیق با تصاویر آثار ممالک دیگر می‌توان تشخیص داد.

تحفه و پیشکشی که همراه دارند عبارت است از اسب و اشته و گاوانی از نژاد مخصوص که در مسابقه‌ها و نمایشگاههای امروز از حیث تناسب و حسن اندام قابل بردن جایزه هستند. حیوانات دیگر کمیاب هم دیده میشود، مثلاً شیری ماده با چند بچه شیر و بز کوهی و زرافه که مردم حبشه و بونت از حدود تنگه

عدن تقدیم کرده اند. هر قومی گذشته از حیوانات موظف بود که نمونه ای از جامه ملی خود را عرضه بدارد و ظروف و اوانی که ظاهراً حاوی چیزی هم بوده اند به پیشگاه بفرستد. این ظروف علی الظاهر از طلا بوده و صنعتگران هخامنشی دقت تام و هنرمندی کامل خود را در آنها بخرج داده اند.

تقوش تخت جمشید نه از حیث تصور موضوعات و نه از لحاظ اصل کلی تزئینات و ترتیب صفوف ممتد که استحکام و انسجام کامل صنعت معماری از آن ظاهر است و نه از لحاظ دقایق و تفصیل جزئیات و شکوه و وقار رسمی که در آنها پیداست ابداً شباهتی با آثار یونانی ندارد و از تأثیر صنایع آن ملت که گاهی در ابحاث متتبعین دیده میشود بهیچوجه حکایت نمیکند^۱. صنعت تخت جمشید را اگر بخواهیم در يك عبارت تعریف کنیم باید بگوئیم: « آخرین تجلی صنایع و فنون ظریفه شرق باستانی که بصورت رسمی در آمده و نظیر صنعت امپراطوری است^۲ ».

۱ - بعضی از نویسندگان راجع بایران باستان مانند کامان هوار و هوزی یندارند که تأثیر صمت سنگتراشی یونانیها مختصراً در آثار تخت جمشید موجود است و یلینی اشاره ای راجع بودن پیکر تراشان یونانی در خدمت شاهنشاهی نموده است رجوع شود به بحث این موضوع در صفحه ۲۶۳. ۲ - در تاریخ منایع اروپا صنعت امپراطوری سبکی را گویند که بعد از انقلاب کبیر فرانسه نظر اطلاع کاملتری که از آثار عقبه کسب شد متداول گردید اشیاء صنعتی سادگی و استقامت و اهمیت خاصی پیدا کردند و بتزیینات متقبسه از یونان و روم آرایش گرفتند. چون ناپلئون ارتجاع صنعتی را پسندید و بیشرفت داد بعد ها آنرا سبک امپراطوری نام نهادند. از این جهت استاد هرنسفلد صنعت تخت جمشید را که خلاصه فنون قدیمه مشرق زمین و مطلوب دربار شاهنشاهی ایران در عهد هخامنشی است بسبک امپراطوری مطلوب ناپلئون تشبیه کرده است: یادداشت رشید یاسمی در ذیل ترجمه مقاله یروفسور هرنسفلد در مجله مهر ۱: ۲ ص ۹۵-۹۶. در نظر دارمستتر مستشرق معروف فرانسوی: صنعت ایرانی پیدایش امپراطوری ایران را ماند که بنا بر انگیزش اراده شاهی بصورت واحد با عظمت و دلفریبی پدید آمده:

Darmesteter, *Coup d'oeil sur l'histoire de la Perse*, p. 18.

تطبیق و تریس ایران باستان

۱۰- قرائن معماری ملی ایرانی در فیروز آباد و سروسنستان پارس آثاری از بازمانده های کاخهای بسیار قدیمی موجود است که دارای سردر بهای هلالی و طاقهای ضربی است و شباهت کامل به تخت خسرو (طاق کسری) در تیسفون دارد. بنا بر عقیده دیولافوا و برخی از محققین دیگر این خرابه ها و سبک معماری آنها از بقایای معماری ملی ایرانی و همزمان ساختمان های شوش و استخر است.^۱ سبک معماری شوش و استخر را، بعقیده محققین مزبور، نمیتوان معماری قومی ایرانی نامید زیرا که در تحت تأثیر معماری ملل تابعه ایران واقع گردیده و در حقیقت صنعت امپراطوری است.^۲ آثار فیروز آباد و سروسنستان را که بدوره پارتی و ساسانی و اسلامی تمدید یافته محققین مزبور دنباله صنایع ساختمانی اصلی پارس و بلکه پیش از زمان کوروش میدانند و مدعی هستند همچنانکه این سبک دوره بدوره منتقل شده سیر تکامل خود را نیز پیموده است و بموقع سرمشق معماران یزانس واقع گردیده.^۳

ولی نظر عده ای از محققین مانند پرو و شپیه^۴ و آرتور کریستنسن^۵ و

۱- Herzfeld dans Sarre-Herzfeld, *Iran Felsreliefs*, p. 128 sqq., et ZDMG 1926, p. 254. Dieulafoy *Part antique de la Perse*, IV, p. 4 sqq.

۲- برای مفهوم سبک صنعت امپراطوری رجوع شود بصححه ۲۶۹.

۳- برای نمونه مسجد ایا صوفی (St. Sophia) را که اصلاً از ساهای روم شرقی بوده ذکر میکنند.

۴- Perrot et Chipiez, *History of Art in Persia*, London & N.Y. (1892) pp. 162-165; 182-189.

۵- استاد کریستنسن ایرانشناس نامی داسار کی را عقیده این است که هر تسفند و دیولافوا در اشتباه هستند که قصر فیروز آباد و سروسنستان پارس را بدوره هخامنشی نسب دهند.

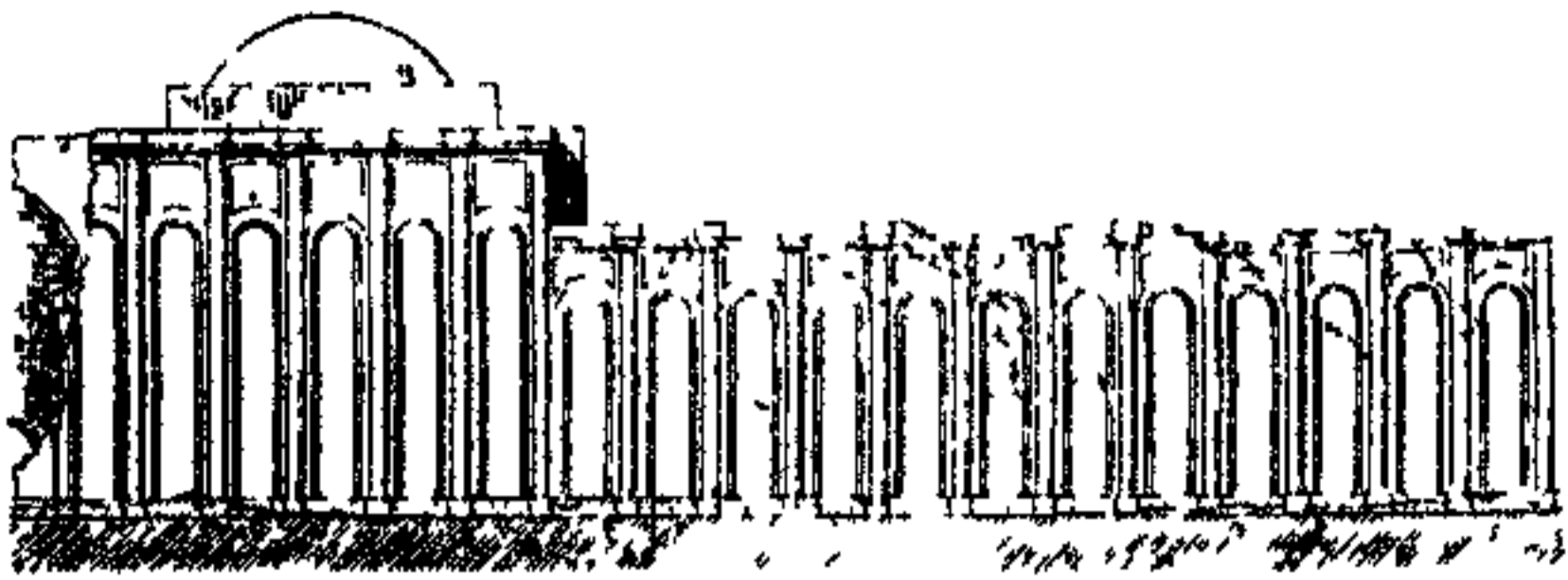
Christensen, Arthur *l'Iran sous les Sassanides*, Copenhague 1936, p. 89,

note. «voit à tort dans le château de Firuzabad un édifice Achemenide»

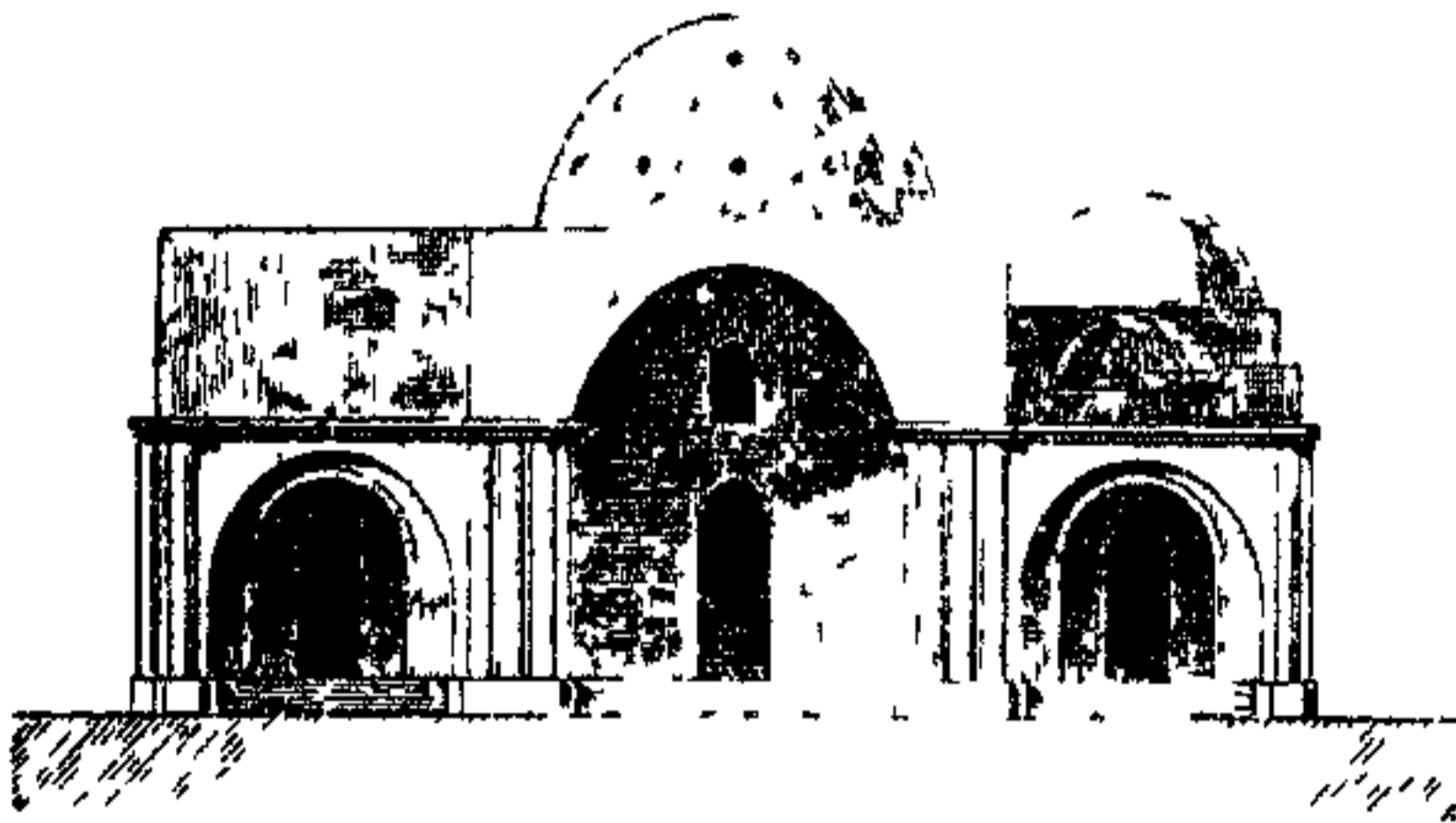
کریستنسن گوید: اردشیر در روزهای جوانی قصری در گور که اکنون فیروز آباد نامیده میشود برپا نمود و این یکی از قدیمترین ساختمانهای سبک طاقهای ضربی در ایران است و خرابه آن تا امروز باقی است.

شهر گور را اردشیر نام تازه اردشیر حوره «Ardashir Xvarreh» بمعنی حلال اردشیر،

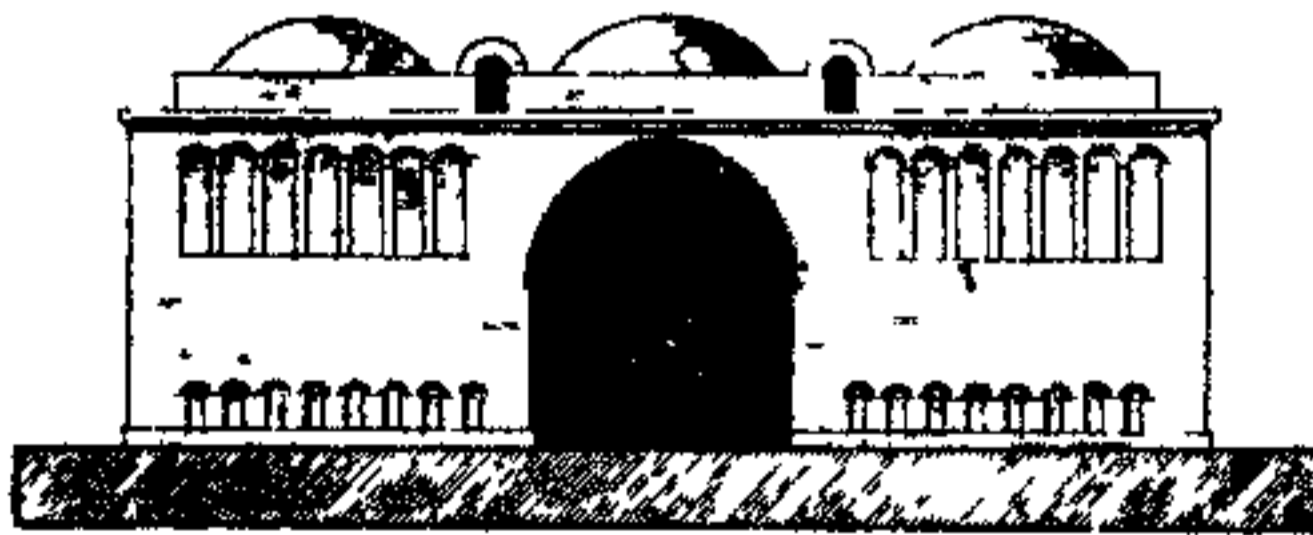
داد و هذا نام فیروز آباد معروف گردید (کریستنسن «ایران ساسانی» ص ۸۹).



بنای ساختمان هرورد آباد اربهان «ایران قدیم» فلاندر و کست



حیة ساختمان درموقع آبادی در سرروستان «ایران قدیم» (فلاندر و کست)

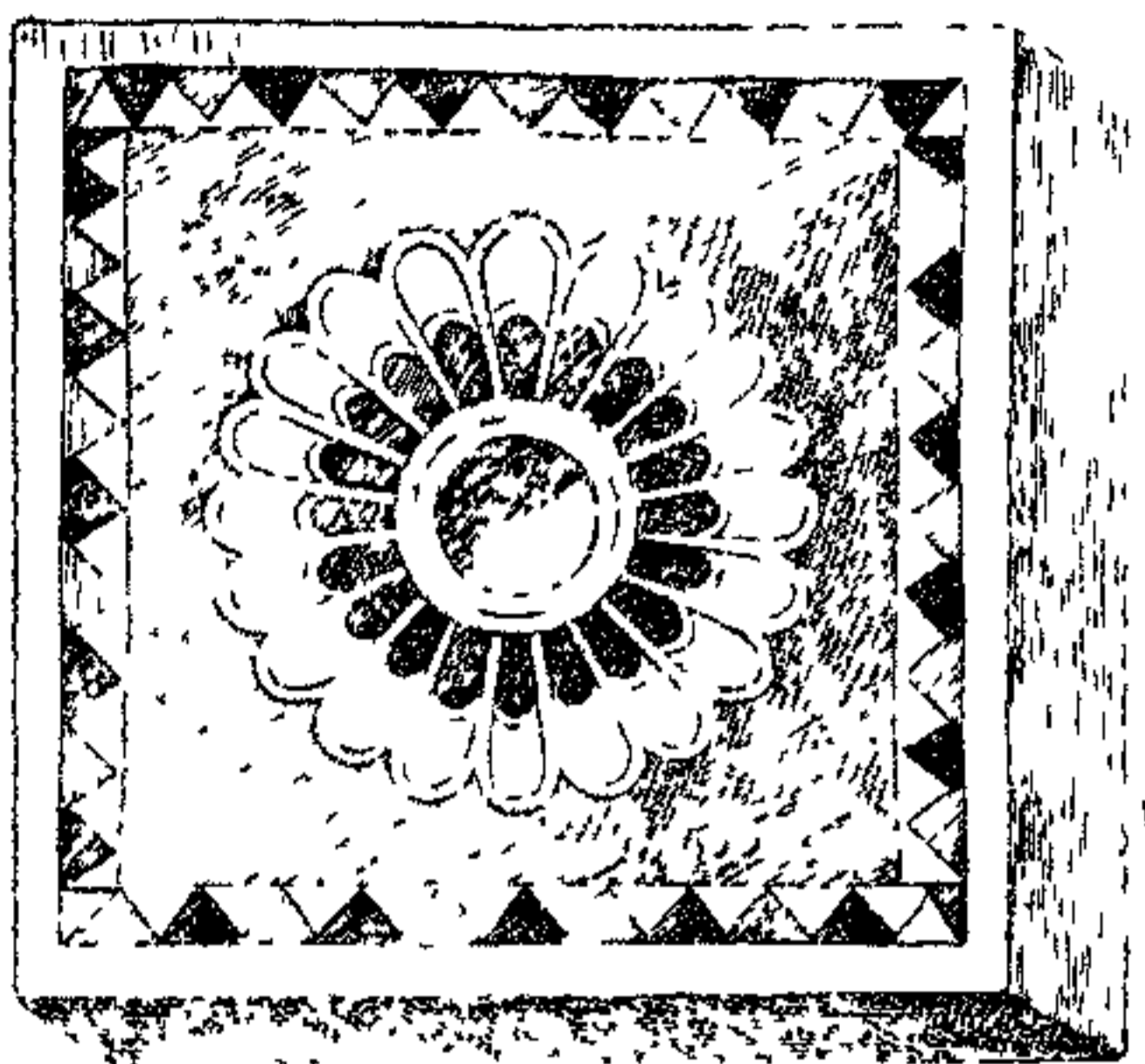


حیة ساختمان درموقعی که آباد بوده ، در فیروز آباد «ایران قدیم» «فلاندر و کست»

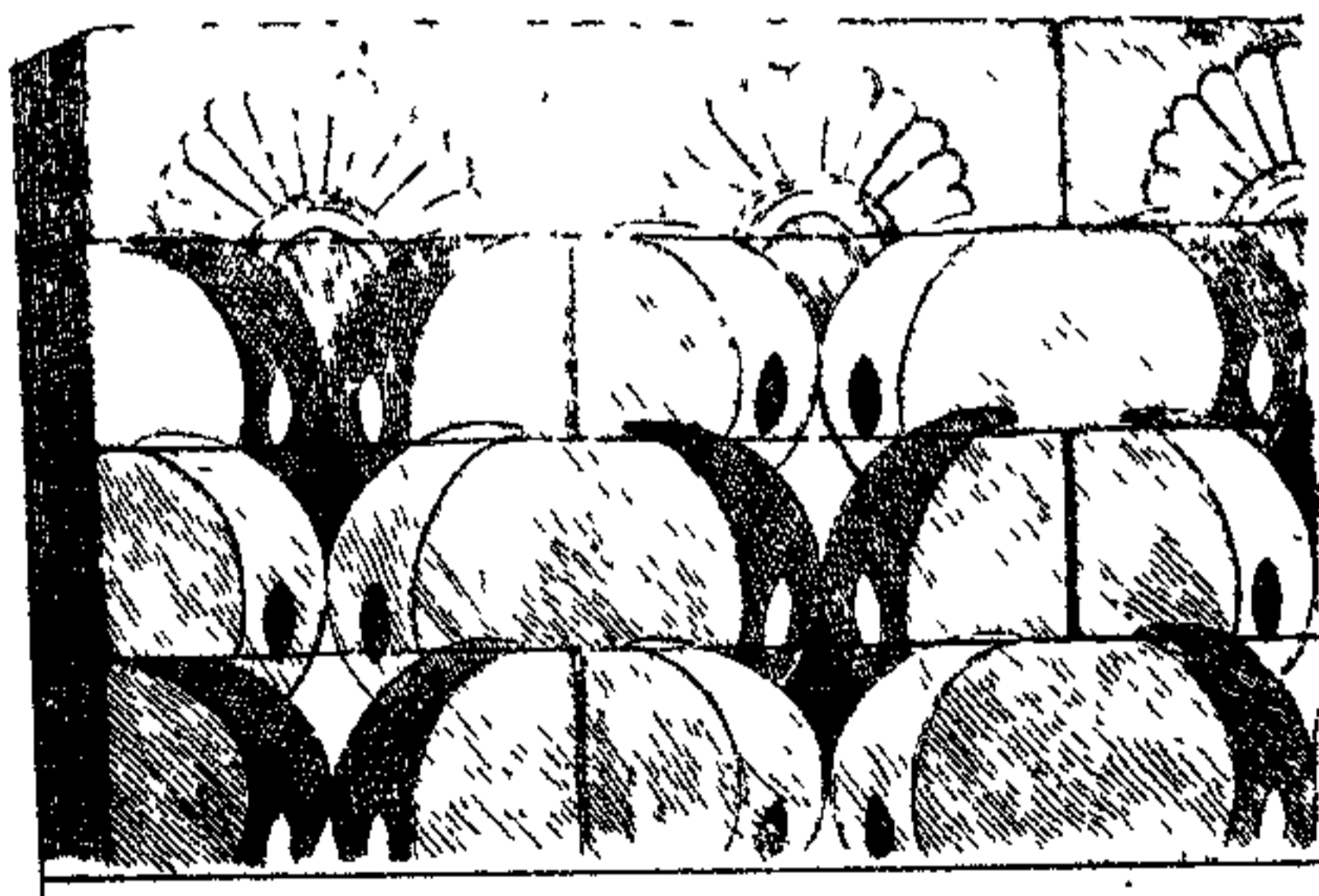
پوپ ۱ دائر بر این است که این آثار از آغاز دوره ساسانی و بلکه از پایان دوره اشکانی است و سرچشمه الهام آن نفوذ معماری یونانی است شرح

درازتر این موضوع در ضمن گمار صنایع ساختمانی عصر ساسانی در جای خود بیاید .

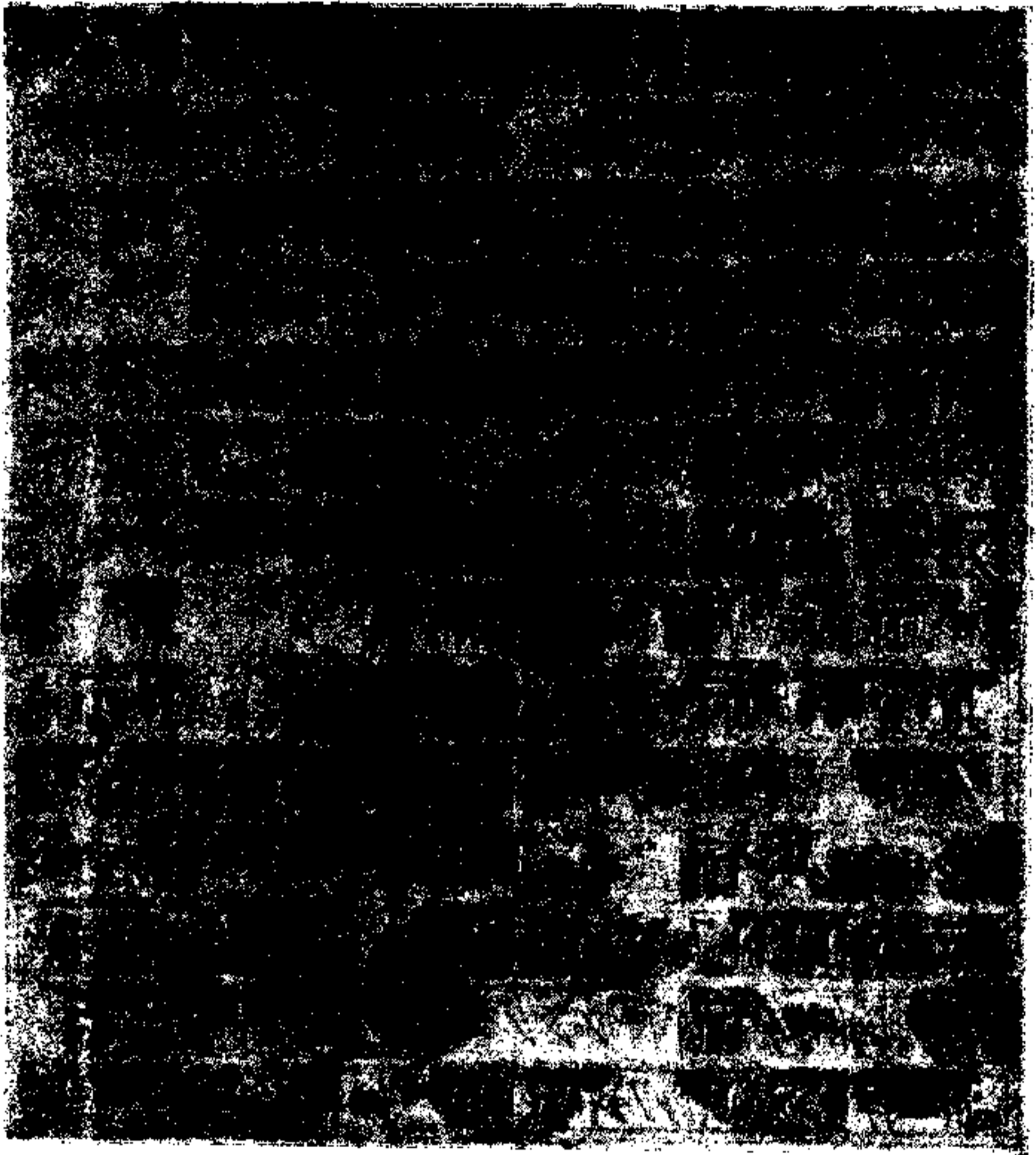
۱ - Pope, A.U. An Introduction to Persian Art N.Y. (1931).



کاشی لعابدازرشوش، اکون درموره‌لوور (قاشی سن الم گوشه)



یاره‌ای ادریت کاشی پلکان درشوش، اکون درموره‌لوور (قاشی سن الم گوشه)
 آجرهای کاشی لعابداز که برای روکاری و آرایش بکار
 ۱۱- آجرهای کاشی لعابداز
 میرفته دارای تصاویر برنگهای گوناگون و درخشان بوده



کتیبه خشتایارشا بر کاشی که از کنار هم نهادن صد قطعه ترتیب داده شده و در کاوشهای تازه تخت جمشید ، که در ۳۳۳ پیش از میلاد بدست اسکندر مقدونی سوخته شد ، یافته اند .
(باجازه مجله مهر)

و در زمان خود مناظر دل‌انگیزی بوده است. مارسل دیولافوا^۱ که از طرف فرانسه در شوش کاوش نمود فریزهای تیراندازان^۲ و شیران را که از قطعات بیشمار کاشی لعابدار برنگهای گوناگون در آنجا یافت به فرانسه برد و اکنون در موزه اوراست. کتیبه‌ای نیز در ضمن کاوشهای اخیر در نخت جمشید پیدا شده که از صد قطعه کاشی تشکیل یافته است.

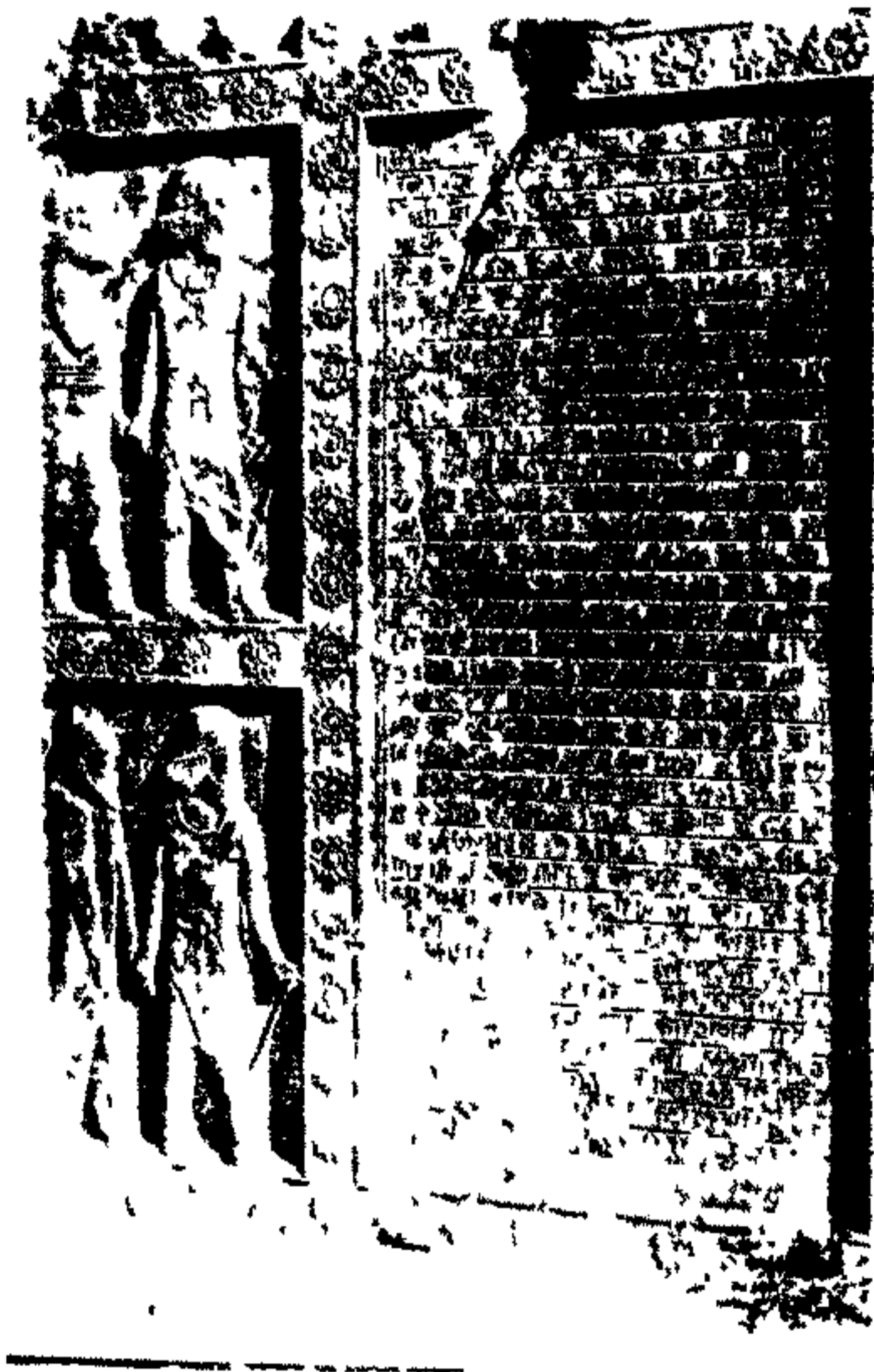
صنعت کتیبه نگاری نیز ظاهراً پیشتر در دوره اول پارسی
۱۲- صنعت کتیبه نگاری
متداول بوده و آنرا یکی از فنون دیرری^۳ آید، محسوب داشت.

برای کتیبه نگاری سبک و فایز و کاشی و کلمه^۳ نگار مرفه و نظر نمونه‌های گوناگونی که تا کنون یافت شده ظاهراً در ردیف هنرهای عمده بوده است. بنا بر قرائنی که اکنون در دست است این صنعت پس از دوره اول پارسی تدریجاً رو مانحطاط گذارد و انحطاطندرجی آن‌نوام^۴ و همین‌یافین^۵ سر یجی خط آرامی بوده است. در دوره‌های اشکانی و ساسانی نیز کتیبه نگاری واحدی معمول بوده ولی اهمیت تزیینی خود را بمرور زمان از دست داده بود. در دوره اسلامی این صنعت قدیم ایرانی

۱- Marcel Dieulafoy *Le Palais de Darius* Paris, 1884.

۲- رجوع شود تصویر صفحات ۲۳۲ و ۲۳۶.

۳- نمونه‌های سنگتراشهای نخت جمشید و نقش رستم و بیستون هراوان است. رجوع شود تصاویر صفحات ۱۸۰، ۱۹۱، ۲۷۳، ۲۷۵. از کتیبه‌های طلا و قره که برای یادگار و تاریخ بنا در ریر پایه‌های کاحها گذارده میشده اخیراً در کاوشهای نخت جمشید چهار لوحه کشف شده است که دو لوحه طلا و دو لوحه قره است. رجوع شود تصویر ص ۱۸۰. این چهار لوحه در دو حصه سنگی در دو گوشه شمال شرقی و جنوبی کاخ آبادانا یا نار گاه حشایارشا پیدا شده. ورن هر یک از الواح سه من و چهار سه است و روی هر یک از کتیبه‌ها شرحی زمان پارسی قدیم و حط مبیعی است. برای عکس رنگی یکی از الواح و ترجمه فارسی آن رجوع شود به «یادگار داریوش» در محله مهر چاپ تهران ۱: ۸ (۱۳۱۲) ص ۵۶۸-۵۷۰.



یکی از سگکوشته های داریوش بزرگ در عهد هخامنشی که پیارسی قدم و خط میخی است
(عکاسی ماش، تهران)

بوسیله الفبای کوفی و متفرعات خط نبطی از نو اهمیت تزئینی و تاریخی و مذهبی
بخود گرفته و تمدید یافت ۱ .

۱۳- کارهای فلزی صنایع فلزی گوناگون خاصه اسلحه سازی رایج بوده و از نامهای
اسلحه که در بالا ذکر گردید ۲ از چدن و آهن و برنج
و قره و طلا و مس اسلحه میساخته اند

یونانیها در یکی از کاخهای شاهی هخامنشی درخت کاجی دیده بودند که از
طلا ساخته شده بود ۳ . چیزهایی که در خزانه جیحون ۴ یافت گردیده نیز تنوع
کارهای فلزی و هنرهای دوره اول پارسی را تا حدی شن میدهد . از جمله قطعات
ممناز غلافی است که از طلا ساخته شده و با کارهای اسب سواران در تعقیب شکار
زینت گردیده است .

۱ - رجوع شود مقالات نگارنده در تحت عنوان :

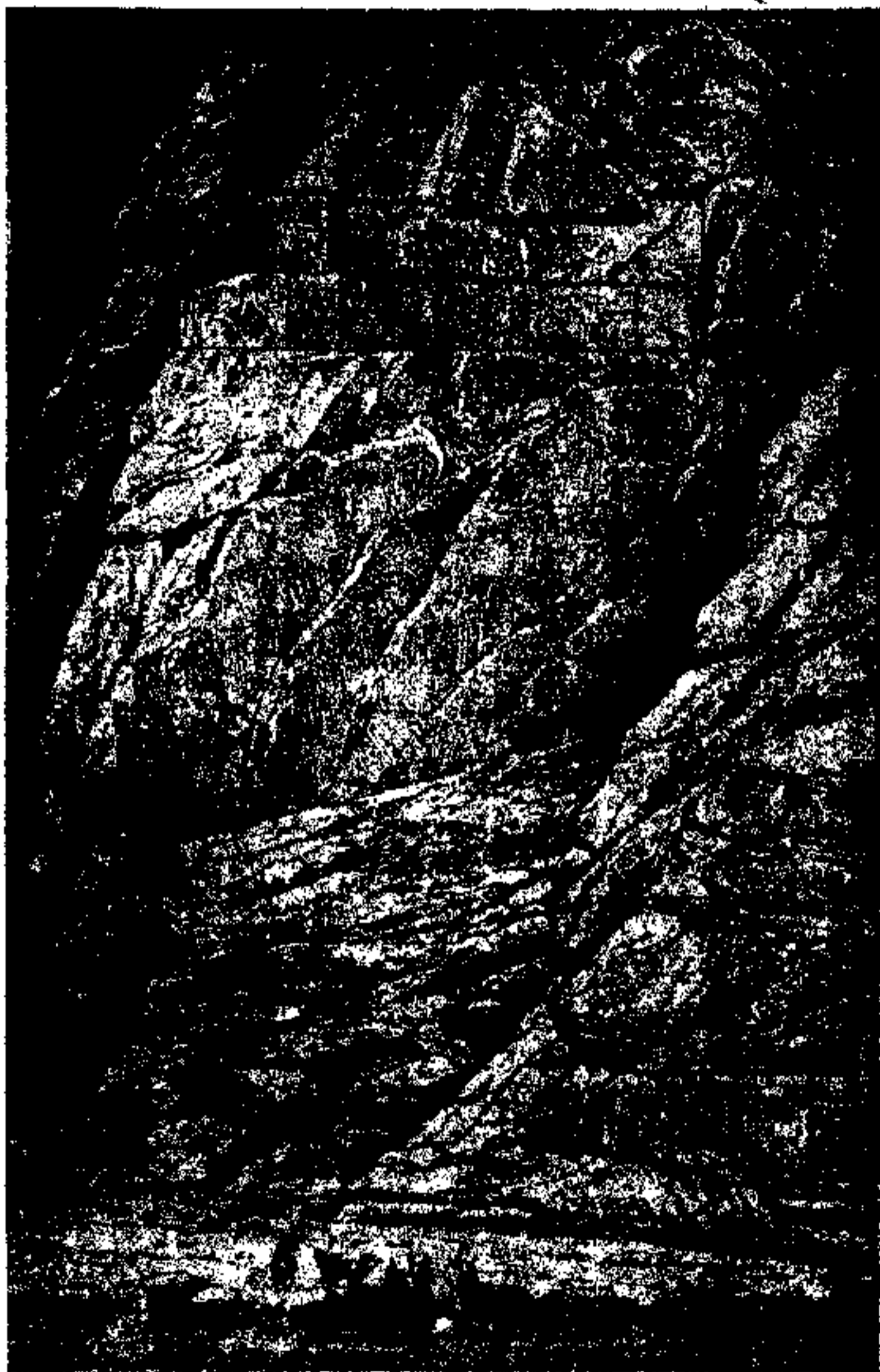
Religious Association of Iranian Calligraphy also Iranian Art of Calligraphy
forthcoming in the *Survey of Iranian Art* Edited by Arthur Upham Pope,
The Oxford University Press

۲- رجوع شود با ساسی آلات جنگی در ص ۲۳۱ و سدهای پنجم و ششم همین بحث .

۳- Xenophon, *Hell* VII: 1, 39.

۴- گنج جیحون، در سال ۱۸۷۶ میلادی در میان راه ناس گرگان و قادیان در رودی راه
سمرقند، که از رود جیحون، که طاهرا آب شسته بوده، از طرف حد نهر کاروان سس سمرقند و بخارا
و پشاور یافت شده اینها برای مدین مصی از آلات طلای حاص بدو گردن آنها پرداخته
بوده اند ولی ناخدی موقع از طرف درال کاسه هام اسکیمی General Cunningham کشف
سده و سبع موره ریطانی صط گردیده است شرح مفصلی تمام اشیاء با مقدمه علمی و حامی
قلم مستردالن در سال ۱۹۲۶ میلادی انتشار یافته رجوع شود به:

Treasure of the Oasis, with other Examples of Early Oriental Metal Work by O. M.
Dalton, 2nd Ed, London, British Museum, 1926.



حجاریهای برجسته و کتیبه بیستون
« ایران قدیم » فلاندن و کست



سمنی ارغلاف دشنه طلا ، نافوس بر حسته ، سکار شاهانه سر ، صعب ، ادی یا پارسی ، در حدود
 قرن ششم قبل از میلاد از « حرانه حیحون » (دالتن)

بنا بر مضمون فراین ، احبابه باختر فلز کاران قابلی دانسته و معادن طلا نیز در همان نواحی
 وجود داشته و استخراج می شده است ^۱ . در ضمن اشیائی که در ۱۸۷۶ میلادی در
 سمن « گنج حیحون » کشف گردید ، صور و نقوشی است ، که نافوش تخت جمشید
 از حیث سبک و کار و موضوع یکسان است . باختر در آن زمان ثروت بسیار داشته
 و « زینت آریا » نامیده می شده ^۲ و گویا مرکز عمده طلاخیز ایران بوده است . راجع
 بطروف طلا و نقره آنها نیز اشارات زیادی در تحریرات یونانیها موجود است ^۳ .
 ولی نمونه ای تا کنون با اطلاع نویسنده ، کشف نشده است . محتمل است سبک ظروف
 نگارین طلا و نقره ساسانی ^۴ نیز مانند بسی امور دیگر صنعتی . تمدید سبک هخامنشی
 بوده است .

۱- Pliny, *Hist. Natural* BK 6

۲- Bevan, E. R., *The House of Socrates* II, p. 275

۳- Herod. 9:80; Xen. *Cyrop* 1.8.18, Str. XV.3.19

۴ - رجوع شود : تصویر بشقاب قره قیابور از دوره آرمناژ ، لنینگراد و تصویر بشقاب ، مجلس شکار بهرام
 گور از دوره ملی باریس که هر دو در قدمت صنایع ساسانی در بخش پنجم این کتاب نقل شده است .